



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



بازخوانی روز واقعه

تبیین شناسی تحلیل های

عاشورا

ضیاءالدین میرمحمدی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بازخوانی روز واقعه - تبیین شناسی تحلیل های عاشورا

نویسنده:

میرمحمدی ضیالدین

ناشر چاپی:

جام جم

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	بازخوانی روز واقعه - تبیین‌شناسی تحلیل‌های عاشورا
۷	مشخصات کتاب
۷	چکیده
۷	مقدمه
۷	مفهوم تبیین تاریخی (Historical Explanation)
۸	انواع تبیین تاریخی
۹	ضرورت پردازش به تبیین تاریخی عاشورا
۹	پیشینه‌ی تبیین تاریخی پدیده‌ی عاشورا
۱۰	خطوط کلی و محوری سبک نگارش منابع تاریخ عاشورا
۱۰	اشاره
۱۱	کتاب قیام امام حسین
۱۱	اشاره
۱۱	شواهدی از تبیین‌های عقلانی
۱۲	بررسی تبیین قانونمند
۱۳	کتاب انقلاب عاشورا
۱۳	اشاره
۱۳	شواهدی از تبیین‌های عقلانی
۱۵	کتاب‌های تأملی در نهضت عاشورا و حیات فکری و سیاسی امامان شیعه
۱۵	اشاره
۱۵	شواهدی از تبیین‌های عقلانی تاریخی
۱۶	مصادقی از تبیین روایی
۱۷	کتاب تشیع در مسیر تاریخ

۱۷ اشاره
۱۷ مصادیقی از تبیین‌های عقلانی
۱۸ مصادقی از تبیین روایی
۱۸ کتاب حماسه حسینی
۱۸ اشاره
۱۸ مصادیقی از تبیین‌های عقلانی
۱۹ مصادقی از تبیین روایی
۱۹ کتاب شهید جاوید
۲۰ اشاره
۲۰ مصادیقی از تبیین‌های عقلانی
۲۰ مصادقی از تبیین روایی
۲۰ نتیجه‌گیری
۲۱ پاورقی
۲۲ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بازخوانی روز واقعه - تبیین‌شناسی تحلیل‌های عاشورا

مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی: ایران ۸۴-۵۶۳۹۶

سرشناسه: میرمحمدی ضیالالدین

عنوان و نام پدیدآور: بازخوانی روز واقعه - تبیین‌شناسی تحلیل‌های عاشورا/ میرمحمدی ضیالالدین

منشأ مقاله: ، جام‌جم (۲۱ اسفند ۱۳۸۴): ص ۱۱.

توصیفگر: تحلیل تاریخی

توصیفگر: قیام عاشورا

چکیده

مقاله‌ی حاضر نگاه و رویکردی بیرونی (معرفت درجه‌ی دوم) بر پدیده‌ی تاریخی عاشورا دارد. ابتدا مقدمه‌ای کوتاه در بیان مفهوم تبیین تاریخی و انواع آن (قانونمند، عقلانی و روایی) ذکر می‌شود و در ادامه به پیشینه‌ی تبیین تاریخی پدیده‌ی عاشورا نظر دارد و با گزینش متونی تحلیلی در حوزه‌ی تاریخ‌نگاری پدیده‌ی عاشورا، آنها را از لحاظ تبیین‌های قانونمند، عقلانی و روایی مورد ارزیابی و بررسی قرار داده، به شواهد و مصادیقی از انواع تبیین‌های به کار رفته در آنها اشاره می‌کند و در پایان به ضرورت توجه جدی مورخان فعلی به کاربرد تبیین‌های تاریخی در تحلیل پدیده‌های تاریخی خصوصاً تاریخ عاشورا تأکید دارد. واژه‌های کلیدی: تبیین تاریخی، تبیین قانونمند، تبیین عقلانی، تبیین روایی، متون تاریخی، روش ترکیبی، روش تحلیلی و پدیده‌ی عاشورا. روش ترکیبی: روشی است که در میان روایات و گزارش‌های مختلف تاریخی به دنبال مقایسه، ترکیب و ایجاد سازگاری است و از اسناد روایات اجتناب می‌شود و به جای آن به مقایسه و ترکیب و ایجاد سازگاری میان روایات مختلف می‌پردازد. (ج) روش تحلیلی: روشی است که علاوه بر نقل روایت به صورت ترکیبی، به دنبال تحلیل، تبیین و اجتهاد تاریخی است و به بررسی علل و نتایج پدیده‌ی تاریخی می‌پردازد.

مقدمه

اعتبار و ارزش پژوهش‌ها و مطالعات تاریخی، به توصیف و نقل پدیده‌های تاریخی نیست، بلکه محقق تاریخ باید تبیین‌های تاریخی را ایجاد نماید و به ابهامات مختلف تاریخی از نگاه چرایی و چگونگی پاسخ دهد. محقق تاریخ با پردازش تبیین تاریخی، پا را از مرزهای تاریخ‌نگاری فراتر می‌گذارد و به دنبال کشف روابط علی بین پدیده‌های تاریخی است. وی می‌کوشد با ریشه‌یابی تغییرات و علل آنها با تبیین تاریخی بین وقایع حال و آینده پیوند ایجاد نماید. در واقع در کنار توصیف وقایع تاریخی به تجزیه و تحلیل انتقادی آنها می‌پردازد تا به شناخت علی پدیده‌های تاریخی واقف گردد. (نوذری، ص ۳۶-۳۷ و ساده، ص ۳۸۰-۳۸۱)

مفهوم تبیین تاریخی (Historical Explanation)

تبیین در لغت به معنای هویدا شدن، پیدا شدن، هویدا کردن، بیان کردن و آشکار ساختن است. (دهخدا، ۲۸/۳۰۰) در اصطلاح، مفهوم تبیین تاریخی، یعنی توجه به پدیده‌های تاریخی و مطالعه‌ی آن برای دریافت چرایی و چگونگی و چیستی آنها؛ به تعبیر

دیگر، تبیین تاریخی راه شناخت علل پدیده‌های تاریخی و کشف قوانین کلی حاکم بر پدیده‌ها و حوادث تاریخی را هموار می‌کند.

انواع تبیین تاریخی

تبیین تاریخی را معمولاً به سه دسته تقسیم می‌کنند: [۱] الف) تبیین قانونمند؛ ب) تبیین عقلانی؛ ج) تبیین روایی. (نوذری، ص ۳۶ و ادواز) ۱. تبیین قانونمند: تبیین قانونمند ارزیابی و بررسی واقعه‌ی مورد نظر به عنوان یک پدیده‌ی تاریخی و قرارداد آن در یک جریان کلی و تعمیم‌بخشی به منظور ارائه‌ی یک قاعده‌ی نظام‌مند در تاریخ است؛ بدین معنا که معمولاً واقعه‌ی مذکور در اوضاع و شرایط معینی رخ دهد. به تعبیری روان و رسا، تبیین قانونمند ارائه‌ی یک مدل عام و فراگیر در تاریخ است، تا پدیده‌های تاریخی را محصول و تولید همان قاعده و قانون کلی بداند. برخی فیلسوفان تاریخ، که عمدتاً دارای دیدگاه پوزیتیویستی‌اند، نوعی نگاه و گرایش تبعی به تاریخ دارند و آن را در تداوم علوم می‌پندارند. آنان مدعی‌اند که تبیین‌های مبتنی بر قانون و یا قاعده‌مند در صدر انواع تبیین‌ها قرار دارند؛ به عنوان مثال، به کاهش مشروعیت حکومت و از دست دادن اعتبار و وجهه‌ی مردمی در اثر افزایش مالیات اشاره می‌کنند، که یک برداشت قانونمند از تاریخ است. از نکات ضعف این نوع تبیین می‌توان به عدم تدوین، توجیه و یا اثبات تعمیم‌بخشی‌هایی مناسب اشاره کرد، مضافاً بر این که خود مورخان دغدغه‌ی خاصی برای تدوین و اثبات قاعده و قانون کلی حاکم بر تاریخ ندارند. از مخالفان و مدافعان این نوع تبیین می‌توان به کارل پوپر [۲] و همپل [۳] اشاره کرد. (نوذری، ص ۳۷ - ۳۸، پوپر، مصباح یزدی) ۲. تبیین عقلانی: این تبیین، تبیین کنش‌ها، واکنش‌ها، فعالیت‌ها و اعمال کارگزاران تاریخی از بعد خواسته‌ها، اعتقادات، نیات و معیارهای آنهاست. نگاه به علل و دلایل انگیزه‌ها و اعمال آنها تبیین عقلانی تاریخ و یا برداشت عقلانی از تاریخ است. تبیین‌های عقلانی بیش‌تر در پدیده‌های تاریخی سیاسی مورد توجه قرار گرفته‌اند و این نوع پدیده‌ها انباشته از تبیین عقلانی‌اند. توجه به تفاوت‌های تاریخ و سایر علوم و عدم توجه به شباهت‌های میان آنها از جمله مواردی است که فلاسفه‌ی تاریخ در تبیین‌های عقلانی تحت تأثیر آنها قرار گرفته‌اند. نقطه ضعف جدی این نوع تبیین‌ها این است که، علی‌رغم روشن و قابل فهم بودن تبیین‌های عقلانی به اندازه‌ی کافی، و آشکار بودن اعمال افراد در تاریخ، در موارد زیادی نمی‌توان با روش عقلانی آنها را تبیین نمود و پیامدهای پیش‌بینی نشده و ناخواسته‌ی کنش‌های افراد را به هیچ‌وجه نمی‌توان نادیده گرفت؛ زیرا به آنها فکر نکرده بودند. از جمله موانع و نقاط ضعف تبیین‌های عقلانی این است که گزارش عمده‌ی مورخان، تابع ساختار اجتماعی و محیطی و یا اوضاع و احوال اجتماعی است که به هیچ‌وجه تحت تسلط کنش‌های افراد انسانی نیستند. تغییرات و نوسان‌های بلندمدت در فقر و ثروت، انقلاب صنعتی و نوسان‌های موجود در الگوی عام زندگی و تأمین معاش، مستعد پذیرش تبیینی بر حسب اهداف و نیات فردی نیستند؛ لذا تبیین‌های عقلانی، تنها راجع به تبیین بخشی از حقیقت تاریخی است. از پردازندگان نظریه‌ی تبیین عقلانی تاریخی می‌توان به گالینگورد [۴] و ویلیام دری [۵] اشاره کرد. (نوذری، زرین کوب، سیروفه‌یف، ادواز) ۳. تبیین روایی: نوع سوم از تبیین تاریخی، تبیین روایی است که، به زعم گروهی، مختص تاریخ است. بر اساس تبیین روایی، یک واقعه و پدیده‌ی تاریخی با نقل و روایت کردن وقایع پیش از آن توضیح و تبیین می‌شود. پس تبیین روایی، یعنی توضیح دادن یک پدیده و واقعه‌ی تاریخی با نقل واقعه‌ی پیش از آن. مشکل عمده‌ی تبیین‌های روایی این است که آیا روش‌های فوق اساساً به امر تبیین می‌پردازند، یا آیا شرایط متناسبی را که تبیین‌های مذکور باید تابع آن باشند (زیرا تمام روایت‌ها یا تبیین‌های روایی بایستی گزینشی باشند) می‌توان بدون قرار دادن آنها در رده‌ی تعمیم‌بخشی‌هایی که تبیین‌های قانونمند بدان‌ها متکی‌اند، مشخص ساخت. تبیین‌های روایی باید در سطح جزئیات مناسب و گزینشی باشند و ممکن است شامل برخی تبیین‌های قانونمند و عقلانی باشند، ولی لزوماً شامل کل این قبیل تبیین‌ها نیستند. معضل عمده‌ی دیگر نظریه‌ی تبیین روایی تاریخ این است که نظریه‌ی فوق مبتنی بر این است که تاریخ اساساً یک جریان روایی است؛ به مفهوم نقل حوادث، وقایع و اعمال مردمان گذشته، به خصوص در عرصه‌ی سیاسی که بر اساس ترتیب

زمانی پدیده‌های تاریخی، یعنی به صورت کرونولوژیک یا گاه‌شماری تدوین شده است. کم‌اهمیت دانستن روایت و یا کاستن از اعتبار و ارزش آن و در عوض حرکت به سمت تحلیل موقعیت‌ها و شرایط تاریخی، زمینه را برای تبیین تحلیلی و روایی آماده و آن را جای‌گزین روایت کرده است. اکشات، [۶] باترفیلد [۷] و گالی [۸] از صاحب‌نظران تبیین روایی‌اند. (زرین کوب، نوذری، والش) با تفحص در کتب و متون تاریخی به همی انواع تبیین می‌توان برخورد کرد؛ امّا فلاسفه و نظریه‌پردازان تاریخ دست کم تبیین‌های سه‌گانه‌ی قانونمند، عقلانی و روایی را تبیین‌های مختص تاریخ می‌دانند. در تبیین علی تاریخ بین اندیشمندان تاریخ اختلاف نظرهایی اساسی وجود دارد؛ حتی تبیین علی را می‌توان در ارتباط با تبیین قانونمند و یا یکی از رده‌های آن تلقی کرد. مورخان نوعاً میان دو مقوله‌ی «علت» و «عقل» تمایز قاعده‌مندی قایل نشده و تفاوت آنها را به طور شفاف بیان نکرده‌اند؛ به عبارتی، علل مورد نظر یک مورخ ممکن است همان عقول و دلایلی باشد که در تبیین‌های قانونمند و عقلانی مطرح است؛ لذا با امعان نظر به توضیحات فوق، از شرح و بسط «تبیین علی» صرف نظر می‌شود.

ضرورت پردازش به تبیین تاریخی عاشورا

فرا تر رفتن از مرزهای تاریخ‌نگاری محض، حرکت از توصیف و نقل صرف پدیده‌های تاریخی به طرف تجزیه و تحلیل انتقادی آنها، شناخت روابط حاکم بر رخدادهای تاریخی و ارائه‌ی مدل فراگیر و عام بر ساختار حرکتی تاریخ بدون تبیین تاریخی امکان ندارد؛ علاوه بر این، می‌توان به موارد ذیل برای ضرورت پردازش تبیین تاریخی عاشورا استناد کرد: [۹]. ۱. حادثه‌ی عاشورا حالت زنده‌ی فعلی ندارد و یک پدیده‌ی تاریخی است، لذا فهم و درک حضوری آن ممکن نیست و باید با ابزار خاص ارزیابی و مطالعه شود. ۲. عدم تکرار عینی پدیده‌های تاریخی، ضرایب انحرافی خاصی را در بررسی و ارزیابی مطالعات تاریخی به وجود می‌آورد؛ لذا مورخ و محقق باید ضرایب خاص انحراف را در پدیده‌های تاریخی و خصوصاً پدیده‌ی عاشورا در نظر داشته باشد. ۳. پدیده‌ی تاریخی عاشورا به طور کامل و تمام در اسناد و مدارک تاریخی انعکاس نیافته است؛ لذا محقق و مورخ باید از روش‌ها و فنون استنتاجی و اجتهادی برای تکمیل عدم انعکاس کامل این پدیده‌ی تاریخی در مآخذ و مدارک تاریخی استفاده نماید. ۴. پدیده‌ی تاریخی عاشورا تنها سرگذشت امیران و رجال سیاسی آن نیست؛ بلکه در کنارش باید به ساختار اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی حیات جمعی جامعه‌ی آن روز توجه کرد. ۵. حادثه‌ی تاریخی عاشورا به تنهایی معنا و مفهومی ندارد؛ لذا مورخی که به کالبدشکافی پدیده‌ی عاشورا می‌پردازد، باید آن را در زمینه‌ی کلی جامعه‌اش نگاه کند و چون جمع‌آوری تمام مدارک پدیده‌ی مذکور امکان ندارد، مورخ باید جامعه‌ی گذشته را بازسازی نماید. ۶. تشریح اهداف، انگیزه‌ها، کنش‌ها و اعمال عاملان پدیده‌ی تاریخی عاشورا نیازمند تبیین‌های تاریخی است و بدون تبیین تاریخی، شناخت زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی حادثه‌ی بزرگ عاشورا ممکن نیست. ۷. تجزیه و تحلیل انتقادی ماهیت قیام عاشورا و کشف عوامل و زوایای ناپیدای شکل‌گیری آن، بدون کاربست ارکان تبیین تاریخی، تحقق و عینیت نمی‌یابد. تأمّل در موارد فوق و تعمق در ماهیت پدیده‌های تاریخی، خصوصاً پدیده‌ی تاریخی عاشورا، تجزیه و تحلیل مدارک و شواهد تاریخی، استنباط و اجتهاد تاریخی مورخ، اطلاع از معنا و مفهوم پنهان پدیده‌ی تاریخی عاشورا، کشف ضرورت‌های تاریخی پدیده‌ی عاشورا، نه جبر تاریخی آن، و دوری از خطاهای سهو و عمد، جملگی می‌طلبد که در عرصه‌ی پدیده‌ی تاریخی باید قدم را از مرز نقل و گزارش تاریخی فراتر گذاشت و به مرحله‌ی اساسی پژوهش‌های تاریخی، یعنی تبیین‌های تاریخی وارد شد.

پیشینه‌ی تبیین تاریخی پدیده‌ی عاشورا

متون متعددی درباره‌ی حادثه‌ی عظیم عاشورا نوشته شده است که برخی مستقلاً و برخی در کنار بررسی سایر حوادث تاریخی

اسلام به تاریخ عاشورا پرداخته‌اند. منابع اولیه‌ی پدیده‌ی تاریخی عاشورا را پنج متن قدیمی و اصیل تشکیل می‌دهند که عبارت‌اند از: مقتل الحسین ابومخنف (م ۱۵۷)، طبقات الکبری ابن سعد (م ۲۳۰)، انساب الاشراف بلاذری (م ۲۷۹)، اخبار الطوال دینوری (م ۲۸۲) و الفتوح ابن اعثم (م ۳۱۴) که قدیمی‌ترین این آثار مقتل الحسین (ع) ابومخنف است. منابع مذکور شرح حال مفصّلی از جریان عاشورا و حاوی جزئیات و اخبار ریز و دقیقی هستند که از لحاظ مواد خام تاریخی حادثه‌ی عاشورا ارزش بالایی دارند. (جعفریان، ۱۳۸۱، ۱۳۷۶) از سایر منابع مهم تاریخ عاشورا می‌توان به متونی هم‌چون: تاریخ طبری (م ۳۱۰)، الارشاد شیخ مفید (م ۴۱۳)، مقاتل الطالبیین (م ۳۵۶)، مناقب ابن شهر آشوب (م ۵۸۸)، مقتل الحسین (ع) خوارزمی (م ۵۶۸)، مقتل الحسین (ع) امام طبرانی (م ۳۶۰)، تاریخ الخلفا (مجهول المؤلف)، البدء والتاریخ مطهر بن طاهر مقدسی (م ۳۵۳) لهوف ابن طاوس (م ۶۶۴)، کشف الغمّه فی معرفه الائمه (ع) عیسی اربلی (م ۶۹۲) مقتل الحسین عبدالرزاق مرقم؛ و از آثار جدید می‌توان به نفس المهموم شیخ عباس قمی، عبرات المصطفین شیخ محمدباقر محمودی، بررسی تاریخ عاشورا محمد ابراهیم آیتی، گوشه‌ای از سرگذشت و شهادت امام حسین (ع) علی غفوری، سالار شهیدان حسین شیخ‌الاسلامی، نهضت حسینی سیدعلی فرحی، مقتل الشمس محمدجواد صاحبی، ادب الحسینی و حماسه احمد صابری همدانی، مع الحسین فی نهضته اسد حیدر و قصه‌ی کربلا علی نظری منفرد نام برد. (همان) در زمینه‌ی آثار تحلیلی می‌توان به متونی هم‌چون: شهید جاوید صالحی نجف‌آبادی، شهید آگاه آیه الله صافی گلپایگانی، درسی که از حسین (ع) باید آموخت شهید عبدالکریم هاشمی نژاد، بعد از پنجاه سال دکتر جعفر شهیدی، الفبای فکری امام حسین (ع) محمدرضا صالحی کرمانی، پژوهشی پیرامون زندگی امام حسین (ع) محمد مهدی شمس‌الدین، حماسه حسینی استاد مطهری، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه و تأملی در نهضت عاشورا رسول جعفریان و انقلاب عاشورا دکتر مهاجرانی اشاره کرد. (جعفریان، ۱۳۷۶)

خطوط کلی و محوری سبک نگارش منابع تاریخ عاشورا

اشاره

۱. اکثر منابع و متون مربوط به حادثه‌ی عاشورا، مخصوصاً قرون قبلی بر پایه‌ی روش روایی بنا شده است و سبک و متد تاریخ‌نگاری آنها بر اساس ذکر روایات مختلف تاریخی و نقل و گزارش است، حال یا به شیوه‌ی تاریخ‌نگاری مکتب حجاز، به صورت «معنعن»، و یا به شیوه‌ی تاریخ‌نگاری مکتب عراق، به صورت تداخل روایات و اسناد و یا حذف اسناد. این منابع از لحاظ مواد خام تاریخی دارای ارزش و اعتبار هستند. ۲. به ندرت دیده می‌شود که منابع و متون تاریخی عاشورا در کنار نقل، به روش ترکیبی به مقایسه، ترکیب، سنجش و ایجاد سازگاری میان روایات گوناگون تاریخی پردازند. در این میان می‌توان به اخبار الطوال دینوری اشاره کرد که بهره‌هایی از روش ترکیبی را در خود جای داده است. (سجادی، فصل ۳، ص ۳۴۴). ۳. اکثر متون مربوط به پدیده‌ی تاریخی عاشورا از لحاظ متد تاریخ‌نگاری فاقد روش تحلیلی‌اند؛ یعنی در کنار نقل روایات تاریخی به تحلیل و تبیین و بررسی علل و نتایج آنها پرداخته‌ند، مگر در موارد نادری که در قرون اخیر به رشته‌ی تألیف درآمده‌اند که نمونه‌هایی از آنها در ذیل بررسی خواهد شد. ۴. شاخص‌های تبیین تاریخی چه تبیین قانونمند، چه تبیین عقلانی و چه تبیین روایی جز در معدودی از متون تاریخی حادثه‌ی عاشورا که نوعاً در قرن اخیر نوشته شده‌اند، مشاهده نمی‌شوند؛ و سایر آثار فاقد متدی از لحاظ تبیین تاریخی هستند. در قرن اخیر حرکت‌های مطلوبی از لحاظ متدشناسی و روش‌شناسی تاریخی در فاز مطالعاتی تاریخ‌نگاری صورت گرفته است که قابل تأمل است و از لحاظ روش تحلیلی و تبیین تاریخی، با اقسام مختلف آن، محصولات قابل نقدی عرضه شده است که مبحث عاشورا هم از این قاعده مستثنا نبوده است. هر چند مبحث تبیین در فاز پژوهش‌های تاریخی، به طور عام، و حادثه‌ی عاشورا، به طور خاص، در ابتدای مسیر قرار دارد و از لحاظ تبیین قانونمند تاریخی هنوز حرکت قابل توجهی صورت نگرفته است، به عنوان

نمونه، چند اثر تاریخی را درباره‌ی حادثه‌ی عاشورا از لحاظ تبیین تاریخی مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌دهیم. البته شاخص عمده‌ی متون ذیل که برای ارزیابی تبیین تاریخی گزینش شده‌اند، تبیین‌های عقلانی است، و با توجه به این که در تحلیل پدیده‌ی تاریخی عاشورا، از تبیین قانونمند و حتی تبیین روایی بهره‌ی چندانی نبرده‌اند و مؤلفان آنها توجه جدی به انگیزه‌ها، آرمان‌ها، تمایلات و رفتارهای ساده و پیچیده‌ی عاملان حادثه‌ی عاشورا داشته‌اند، در بحث شواهدی از تبیین‌های تاریخی کتب مورد نظر، تفصیلاً شواهد و مصادیق عقلانی ذکر شده است.

کتاب قیام امام حسین

اشاره

قیام امام حسین (ع) تألیف دکتر سیدجعفر شهیدی، یکی از مورخان معاصر است. مؤلف در حوزه‌ی تاریخ‌نگاری پدیده‌ی تاریخی عاشورا، از لحاظ سبک و متد، اثری تحلیلی و تبیینی ارائه داده است که به لحاظ پژوهشی و تحقیقی و اعتبار کیفی قابل تأمل است. خطوط محوری سبک نگارش آن را می‌توان این گونه شمرد: الف) در تحقیق و پژوهش تاریخی بر ضرورت استفاده از شیوه‌ی علمی تأکید دارد. در خواندن متون تاریخی و تحلیل و بررسی آن، شرایط دیگری، از جمله، توجه به وضع جغرافیایی، اقتصادی و اجتماعی را الزامی می‌داند و در تحلیل و تبیین پدیده‌ی تاریخی عاشورا توجه خاصی به سه مؤلفه‌ی مذکور نشان داده است؛ به عنوان مثال، در تحلیل ریشه‌های تاریخی حادثه‌ی عاشورا، به قدرت سیاسی و اقتصادی جامعه‌ی آن روز و ترکیب ساختمان اجتماعی و موقعیت جغرافیایی شبه‌جزیره‌ی عربستان می‌پردازد. (شهیدی ب) در نگارش پدیده‌ی تاریخی عاشورا (مثلاً در اطلاع یافتن امام حسین (ع) از قتل مسلم) از روش ترکیبی [۱۰] استفاده کرده و روایت‌ها و گزارش‌های گوناگون را از راه مقایسه، ترکیب، سنجش و ایجاد هم‌خوانی میان آنها مورد نقادی قرار داده است. ج) روش تحلیلی و تبیینی مؤلف در بررسی علل و نتایج پدیده‌ی تاریخی عاشورا هم به تبع روش ترکیبی است و هم تکیه بر دقت‌های عقلانی و برداشت‌های عقلانی تاریخی دارد. از تحلیل‌های مبتنی بر دقت‌های عقلانی ایشان می‌توان به مواردی هم‌چون تحلیل دگرگون شدن نظام اسلامی و سقوط اجتماع در عصر مورد بحث، برخورد عبیدالله بن زیاد و همراهان او با مسلم در کوفه و برخورد یزید با اسرا در دمشق اشاره کرد. د) در رفع تناقض بین گزارش‌های متضاد و نقل‌های مختلف، علاوه بر ترکیب و ایجاد سازگاری بین آنها، از قرینه‌های خارجی به عنوان یک ابزار تحقیقاتی استفاده می‌کند. مؤلف در مورد مخالفت امام حسین (ع) با بیعت کردن، حرکت وی از مدینه به مکه و رسیدن دعوت‌نامه‌های مردم کوفه و فرستادن مسلم به کوفه و حرکت از مکه به عراق با همه‌ی اختلافات در جزئیات روایت‌ها، آنها را با سنجش قرینه‌های خارجی مورد تأکید قرار می‌دهد. ک) مصادیق متعددی از تبیین‌های تاریخی خصوصاً تبیین‌های عقلانی دیده می‌شود و به انگیزه‌ها، کنش‌ها و اعمال کارگزاران تاریخی آن عصر توجه لازم را دارد. نمونه‌هایی از برداشت‌های عقلانی تاریخی در ذیل بررسی خواهد شد.

شواهدی از تبیین‌های عقلانی

۱. اطلاع یزید و سران دمشق از جریان نامه‌های کوفیان و مشاوره‌ی یزید با اطرافیان برای حل آن، انتخاب عبیدالله بن زیاد به عنوان حاکم کوفه با توجه به نوع تربیت عبیدالله، که از دسته‌بندی‌های سیاسی بصره و کوفه آگاهی کافی، و به راه‌های فروخواباندن آشوب، و قتل و آدم‌کشی و زندانی کردن تسلط لازم را داشت و زیرکی و موقع‌شناسی وی در چنین محیط سیاسی بزرگی قابل توجه بود. مؤلف، انتخاب عبیدالله بن زیاد به عنوان حاکم کوفه را تبیین عقلانی نموده است. ارکان و اضلاع این تبیین عبارت‌اند از:

توجه به انگیزه‌ها و تئیات یزید از علت این انتخاب در آن برهه‌ی تاریخی، رفتار و عملکرد یزید در قبال دعوت کوفیان، کنش‌ها و واکنش‌های عبیدالله بن زیاد در برخورد با اهل کوفه با توجه به امیال و اهداف ایشان، بیان علل و دلایل عملکرد یزید در قبال کوفیان با توجه به تئیات و معیارهای ایشان که سیکل و گردش یک تبیین عقلانی تاریخی را نشان می‌دهد. (ص ۱۲۵ - ۱۲۶). یکی از مصادیق تبیین عقلانی تاریخی، آماده شدن مقدمات قیام امام حسین (ع) است. عدم بیعت با یزید و به رسمیت نشناختن او، شایسته‌سالاری حضرت امام (ع) از لحاظ رهبری بر امت، خصوصیات پست اخلاقی یزید، تسلط یزید بر مسلمانان و ادعای خلافت او به عنوان منکری روشن، کوشش امام حسین (ع) در زدودن بدعت و نابود ساختن منکر، مرد دین بودن، رضای خدا و آسایش مسلمانان را دیدن و آگاهی امام از لجاجت یزید بر بیعت گرفتن از او، شاخص‌های یک تبیین عقلانی تاریخی را مؤلف در این تبیین ارائه داده است که عبارت‌اند: بیان انگیزه‌ها و خواسته‌های امام در عدم بیعت با یزید و آماده کردن مقدمات قیام و نشان دادن معیارها و امیال امام یک بعد از ابعاد تبیین تاریخی است. بیان کنش‌ها و عملکردهای امام با توجه به انگیزه‌های ایشان در عدم بیعت، شایسته‌سالاری امام، تلاش در زدودن بدعت و حرکت به سمت قیام؛ بُعد دیگری از ابعاد تبیین تاریخی عقلانی ایشان است. (ص ۱۴۴ - ۱۴۵). سکوت شهرهای بزرگ اسلامی (چون: مکه، مدینه، دمشق و بصره) در قبال حادثه‌ی کربلا، تحلیل چگونگی ابلاغ بیعت یزید به امام حسین (ع)، رفتار دوگانه‌ی کوفیان در قبال دعوت از امام، چگونگی ورود مسلم به کوفه و تحلیل حضور او با وضعیت داخلی کوفه، برخورد امام با حرّ بن یزید و فعل و انفعالات ناشی از آن، تحلیل موقعیت مذهبی و سیاسی دمشق و ده‌ها مورد دیگر که مؤلف در تمامی این‌ها به تبیین کنش‌ها و واکنش‌ها، اعمال کارگزاران تاریخی، توجه به خواسته‌ها، انگیزه‌ها و معیارها پرداخته و ساختار تبیین عقلانی را در آنها رعایت کرده است.

بررسی تبیین قانونمند

تبیین قانونمندی پدیده‌های تاریخی، فرع بر تعمیمی [۱۱] بودن دانش تاریخ است، نه تفریدی [۱۲] بودن آن. مؤلف در تبیین پدیده‌ی تاریخی عاشورا، مثل دعوت کوفیان، واکنش شام در قبال آن، مقدمات قیام امام حسین (ع)، طرح بیعت یزید و سکوت شهرهای بزرگ آن روز، به علت‌های موردی و منفرد همان مقطع تاریخی استناد می‌کند و این بیانگر تفریدی بودن بینش ایشان در قبال دانش تاریخ است که تبیین پدیده‌ی تاریخی عاشورا را از قانونمند بودن خارج می‌سازد. بنابراین، نمونه‌هایی از تبیین قانونمند در اثر مذکور مشاهده نمی‌شود و این ناشی از مبنای مؤلف است. نیاز به ذکر است در تمامی متون انتخاب شده‌ی ذیل به علت ذکر علل و عوامل اختصاصی و انفرادی برای تحلیل پدیده‌ی عاشورا و عدم اتخاذ مبنای تعمیمی بودن دانش تاریخ، فاقد تبیین‌های قانونمند می‌باشند؛ لذا از بررسی تبیین قانونمند در آن متون خودداری می‌شود. مصداقی از تبیین روایی: از نمونه‌های تبیین روایی می‌توان به تشریح جریان فرمان‌دهی عمر سعد از سوی ابن زیاد، سخت‌گیری در حادثه‌ی عاشورا و اجرای بی‌رحمانه‌ی آن اشاره کرد. قواعد و اسلوب تبیین روایی در نمونه‌ی مذکور مشاهده می‌گردد و مؤلف در تبیین واقعه‌ی مذکور با گزینش مناسب از حوادث قبلی و استناد به آن مصداقی از تبیین روایی را آورده است. (ص ۱۶۳ - ۱۷۰) محصول و تولید تبیین‌های تاریخی مؤلف با توجه به عنصر هدف، «نظریه‌ی دفاع» و احیانا «نظریه‌ی اصلاح» است. ایشان در تحلیل حادثه‌ی کربلا- و ایجاد آن، هدف امام حسین (ع) را مبتنی بر نظریه‌ی دفاع می‌داند. هر چند نظریه‌های دفاع و اصلاح را به نوعی جمع کرده است و جمع نظریه‌های مطرح در باب هدف امام حسین (ع) ممتنع نیست. براساس نظریه‌ی دفاع، امام حسین (ع) در همه‌حال، چه در مدینه، چه در مکه و چه در متن حادثه‌ی عاشورا، موضع دفاعی داشت. اقدامات قهرآمیز و خصمانه‌ی بنی‌امیه برای تأیید خلافت خود از طرف امام (ع) و مشروعیت دادن به مبانی آن آنها را واداشت تا در مقابل امام حسین (ع) موضع هجومی اتخاذ کنند؛ بنابراین پایه و اساس نظریه‌ی دفاع مبتنی بر اثبات هجوم بنی‌امیه است تا امام در قبال هجوم آنها موضع دفاعی بگیرد. روند حرکتی مؤلف در تحلیل حادثه‌ی

کربلا و تبیین عقلانی آن بیانگر اتخاذ نظریه‌ی دفاع است، اما در کنار التزام به نظریه‌ی دفاع، از نظریه‌ی اصلاح هم پیروی می‌کند و امتناع امام حسین (ع) از بیعت و حتی حرکت به سوی کوفه را نوعی اقدام اصلاحی، و فعالیت امام حسین (ع) در راستای حرکت خویش را، فعالیت برای تصحیح تفکر سیاسی و هنجار بخشیدن به رفتار سیاسی امت می‌داند. البته علت این که نظریه‌ی اصلاح را هم در متن تحلیل پدیده‌ی تاریخی با توجه به عنصر هدف تبیین کرده، این است که اقدام انقلابی و تشکیل حکومت را برای امام حسین (ع)، با توجه به موانع متعدد و فقدان امکان عملی آن، میسر نمی‌داند. به عبارتی نظریه‌ی اصلاح با «نظریه‌ی انقلاب» قابل جمع نیست؛ زیرا در صورت امکان نظریه‌ی انقلاب نیازی به نظریه‌ی اصلاح نیست؛ اما شواهد تاریخی نشان می‌دهد که در زمان بروز حادثه‌ی کربلا، شرایط و امکان براندازی بنی‌امیه، آن هم به صورت انقلابی فوری، محقق نبود؛ و از این رو امام حسین (ع) به سمت حرکت اصلاحی قدم برداشت تا به تدریج ساختار سیاسی جامعه‌ی آن روز به تحوّل تفکر سیاسی و تغییر ساختار حاکمیت منتهی شود.

کتاب انقلاب عاشورا

اشاره

انقلاب عاشورا، تألیف دکتر سید عطاءالله مهاجرانی یکی از متون پژوهشی و تخصصی در حوزه‌ی مطالعاتی تاریخ‌نگاری عاشورا است. شاخص عمده‌ی اثر مذکور را می‌توان برداشت‌ها و دقت‌های عقلانی تاریخی دانست. نکات محوری ایشان در سبک و متد نگارش تاریخ عاشورا عبارت‌اند از: ۱. از نظر روش تاریخ‌نگاری از روش روایی صرف و مرز توصیف و نقل تاریخی فراتر رفته و تبیین‌های تاریخی خصوصاً از نوع عقلانی ارائه داده است. در ریشه‌یابی حادثه‌ی کربلا، دگرگونی باورها و ارزش‌های جامعه‌ی آن روز، تحلیل انتقادی سلطنت معاویه، اهداف معاویه از ولایت‌عهدی یزید و اهداف امام حسین (ع) از قیام بر نقل و توصیف روایت‌های تاریخی تکیه ندارد و با تجزیه و تحلیل به تشریح این پدیده‌ی تاریخی می‌پردازد. ۲. از روش ترکیبی (مقایسه، ترکیب و ایجاد سازگاری میان روایات مختلف و متعارض) بهره‌ای نمی‌برد، بلکه مبنای ایشان ملاحظه‌ی دقت‌های عقلانی و قرینه‌های عقلانی تاریخی مربوط به پدیده‌ی عاشورا است؛ به عنوان مثال، در تحلیل و تشریح حوادثی مثل هدف معاویه از سب علی (ع)، جزئیات حادثه‌ی عاشورا، و رفتار دوگانه‌ی کوفیان، در قبال روایت‌های متعارض بر عقل و کاربرد آن تکیه دارد. ۳. مصادیق متعددی از تبیین عقلانی تاریخی در تحلیل‌های ایشان مشاهده می‌شود؛ از جمله: تحلیل ریشه‌های تاریخی عاشورا، اهداف معاویه از رواج دوباره‌ی فرهنگ و ارزش‌های جاهلی، چگونگی زمینه‌سازی ولایت‌عهدی یزید که از شاخص‌های تبیین عقلانی وی در این پدیده هستند. ۴. مدل فراگیر [۱۳] و شاخصه‌های تبیین قانونمند تاریخی در تحلیل و تعلیل پدیده‌ی تاریخی عاشورا، در اثر مذکور دیده نمی‌شود. ۵. شاخصه‌های تبیین روایی که عبارت‌اند از انتخاب گزینشی حوادث تاریخی عاشورا، و توضیح و تبیین حوادث با نقل حوادث پیشین، تا حدودی از محتوای فنی قابل استخراج می‌گردد؛ البته چنان‌که قبلاً ذکر شد، در مواردی تبیین تاریخی روایی و عقلانی قابل جمع‌اند؛ و مؤلف نیز در مواردی تبیین‌های روایی تاریخی را از زاویه‌ی عقلانی انجام داده و به نحوی این دو را با هم جمع کرده است.

شواهدی از تبیین‌های عقلانی

۱. نویسنده در تحلیل شکل‌گیری و تکوین پدیده‌ی تاریخی عاشورا به ریشه‌های این پدیده، به عنوان پیش شرط این تحلیل می‌پردازد. امام حسین (ع) را به عنوان نماد و نشانه‌ی روشن حقیقت اسلام و یزید را به عنوان نشانه و نماد اسلام موجود بررسی

می‌کند و به دو جریان فکری و سیاسی و دو نوع تعبیر از اسلام، که عاشورا نقطه‌ی تقابل آن بود، نظر دارد. وی ارکان تبیین عقلانی تاریخی در موارد مذکور را رعایت می‌کند و با التزام به شاخص‌های تبیین عقلانی به برداشت‌های عقلانی می‌پردازد. توجه به کنش‌ها و واکنش‌های امام حسین(ع) و یزید و معیارها، اهداف و اعمال آنها در رخداد‌های عاشورا، دلیل بر تبیین عقلانی مؤلف است. (ص ۱۹ - ۲۱). یکی دیگر از مصادیق تبیین‌های عقلانی تاریخی، بررسی دگرگونی ارزش‌ها و باورهاست که یکی از زمینه‌های شکل‌گیری عاشورا است. بیان انگیزه و رسالت پیامبر(ص) در از بین بردن نظام و ارزش‌های جاهلی و قبیله‌ای و بیان انگیزه‌ی معاویه در تلاش برای بازگرداندن نظام و ساختار قبیله‌ای، که از درون و برون متلاشی شده بود، با انگیزه‌ی نهادینه کردن سازمان سیاسی خویش بر بنیان آنها، شاخصه‌های تبیین عقلانی در تحلیل‌های مؤلف در زمینه‌ی موضوع مذکور است. ۳. در تحلیل ریشه‌های حادثه‌ی کربلا- به بررسی و پژوهش کارگردانی معاویه و مروان بن حکم در قتل عثمان توجه دارد. آنان عثمان را در موقعیت کاملاً شکننده‌ای قرار دادند، در یاری رساندن به عثمان کوتاهی و در خون‌خواهی‌اش شتاب کردند و از قتل عثمان به عنوان مهم‌ترین ابزار تحکیم سلطنت و کیاست و گسترش حوزه‌ی حکومتی خویش استفاده کردند. در این تحلیل تبیین انگیزه و نیت معاویه در قتل عثمان و عملکرد و اعمال وی در این زمینه‌ی تاریخی، شاخص‌ها و اضلاع یک برداشت عقلانی تاریخی را تشکیل می‌دهد. ۴. تشریح و تحلیل جریان سلطنت معاویه و رابطه‌ی آن با سب علی(ع) یکی از شواهد تبیین تاریخی عقلانی است. انگیزه‌ی معاویه از سب علی(ع)، از میان برداشتن یک میزان بود؛ زیرا حضرت علی(ع) از جهت سیره و حکومت یک میزان بود. معاویه می‌خواست با سب علی(ع) طاقت یاران علی(ع) را سلب و در درون آنها زخمی ایجاد نماید. وی دشنام‌گویی به علی(ع) را به عنوان یک برنامه‌ی حکومتی در دستور کارش قرار داد و آن را تبدیل به یک فرهنگ و هنجار اجتماعی و از بارزترین سلاح‌های تبلیغاتی سیاسی خویش کرد. مؤلف در تبیین و تحلیل پدیده‌ی تاریخی فوق، از دید عقلانی به انگیزه‌ها، اهداف، کنش‌ها و تمایلات و گرایش‌های ساده و عمومی و ویژه‌ی معاویه پرداخت که از شاخص‌های تبیین عقلانی تاریخی است. (ص ۸۷ - ۸۸). انگیزه‌ی امام حسین(ع) از حرکت تاریخی‌اش، چه از لحاظ ویژگی اثباتی و چه سلبی، یکی دیگر از مصادیق تبیین عقلانی تاریخی ایشان است. انگیزه و هدف امام از حرکت انقلابی‌اش اصلاح امت رسول‌الله(ص)، عدم سرمستی و سرکشی و مفسده‌جویی، خود را در مسیر حق قرار دادن، اصلاح امت به عنوان شعار و پرچم حرکت ایشان، احیای معروف و نهی از منکر و برگرداندن هر دو به موضع اصلی‌اش در جامعه، و در نتیجه، احیای دین و براندازی مبانی حکومت یزید بود. تحلیل حرکت تاریخی امام از زاویه و نگاه انگیزه‌ای، کنش‌های امام در برابر یزید، گرایش‌های عمومی امام حسین(ع) در برخورد با حکومت فاسد بنی‌امیه و توجه به معیارهای حرکت امام با توجه به علل و دلایل عقلانی آنها از شاخصه‌های تبیین عقلانی تاریخی است. (ص ۱۷۶ - ۱۷۷) مصادیقی از تبیین روایی: تبیین و تحلیل ماهیت و مبانی ساختار سلطنت معاویه یکی از مصادیق تبیین‌های روایی مؤلف است. وی در تشریح ماهیت و مبانی ساختار سلطنت معاویه، که آن را یکی از عوامل شکل‌گیری پدیده‌ی عاشورا می‌داند، از مؤلفه‌های تبیین روایی کمک گرفته است. البته مؤلف در تبیین واقعه‌ی مذکور از هر دو تبیین عقلانی و روایی در عرض هم بهره برده است. (فصل چهارم) نتیجه و محصول تبیین‌های تاریخی مؤلف، با توجه به عنصر هدف و آرمان در این حرکت تاریخی، مبتنی بر «نظریه انقلاب» است. البته نظریه‌ی انقلاب ایشان با نظریه‌ی مرسوم انقلاب تا حدودی تفاوت دارد. در نظریه‌ی انقلاب، گاه انقلاب در سازمان حکومت رخ می‌دهد و هدف آن تغییر شکل موجود حکومت است، گاهی انقلاب به سازمان حکومت صدمه‌ای وارد نمی‌کند، بلکه با حفظ شکل حکومت خواستار تغییر مهره‌های قدرت است؛ و گاهی انقلاب ماهیت حکومت را از لحاظ شدت و ضعف قدرت تحت تأثیر قرار می‌دهد و به تعبیر هانتینگتون [۱۴] انقلاب یک تحوّل داخلی سریع، بنیادین و خشونت‌آمیز در زمینه‌ی ارزش‌های مسلط و اسطوره‌ی یک جامعه است. نظریه‌ی انقلاب در حادثه‌ی تاریخی عاشورا به این معناست که حرکت امام حسین(ع)، این توان و امکان را باید پیدا می‌کرد که با ایجاد پایگاه وسیع مردمی، نظام حاکم اموی را ساقط و نظامی تازه برپا نماید. طبق این نظریه امام در

حرکت تاریخی خود به براندازیِ خلافت اموی نظر و تأکید دارد و هدف اصلی امام در این حرکت تاریخی همین است. لازمی نظریه‌ی انقلاب مبتنی بر این است که براندازی حکومت اموی و امکان براندازی آن با توجه به مدارک و شواهد تاریخی به اثبات رسیده باشد، در غیر این صورت، طرح نظریه‌ی انقلاب در حرکت امام مفهومی نخواهد داشت؛ اما شواهد تاریخی خلاف نظریه‌ی انقلاب است؛ زیرا نه توده‌های مردم جذب شدند و نه این حرکت این امکان و توان را یافت که به براندازی حکومت اموی منجر شود و نه پایه‌های حکومت اموی آن اندازه سست بود که با یک انقلاب سریع داخلی فرو ریزد؛ با این حال، اتخاذ نظریه‌ی انقلاب با توجه به عنصر هدف و آرمان در حرکت امام از دیدگاه مؤلف تنها از جهت یک تحوّل داخلی سریع و برانداز نبود، بلکه به اعتقاد مؤلف، عاشورا از این لحاظ انقلابی است که در حقیقت، چهره‌ی اسلام و جامعه‌ی اسلامی و ساختار حکومت بنی‌امیه را دچار تغییر و تحوّل کرد، اما نه دفعی و سریع، بلکه تدریجی و با ایجاد دگرگونی در عمق ریشه‌ها. تغییر مبانی ارزش‌های جامعه‌ی آن روز زمینه‌ی اصلی انقلاب عاشورا بود که با تغییر اندیشه و آرمان به ساختار بنی‌امیه نیز تسری یافت. عاشورا در حالات روحی انسان‌ها تغییری به وجود آورد که هیچ حادثه‌ی تاریخی دیگری به وجود نیاورد و عاشورا سیطره‌ی بنی‌امیه را از درون فروپاشید؛ لذا اتخاذ نظریه‌ی انقلاب از جانب مؤلف، با توجه به تصریح ایشان، اگر چه واقعه‌ی عاشورا در شکل ظاهری، مختصات یک انقلاب را ندارد، اما ماهیت و غایت عاشورا یک انقلاب حقیقی است.

کتاب‌های تأملی در نهضت عاشورا و حیات فکری و سیاسی امامان شیعه

اشاره

تأملی در نهضت عاشورا و حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، دو اثر مستقل از رسول جعفریان هستند. کتاب اول به طور مشروح و مستقل به تاریخ زندگانی امام حسین (ع) پرداخته و کتاب دوم در کنار بررسی سیاسی و فکری سایر امامان، به زندگی امام سوم نیز پرداخته است. خطوط کلی و محوری متدنگارش تاریخی مؤلف را در دو اثر مذکور می‌توان با شاخصه‌های ذیل مورد نقادّی قرار داد: ۱. سبک و ساختار حاکم بر شیوه‌ی نگارش تاریخ ایشان، نقل و گزارش است و در کنار این روش، روش تحلیلی هم، نه به صورت روش حاکم، مشاهده می‌شود؛ به عنوان نمونه، در بررسی جریان‌های مربوط به حرکت امام (ع) از مدینه به مکه به خاطر امتناع از بیعت، جزئیات حضور امام در مکه، بیان حوادث کوفه، چگونگی لشکر یزید و حوادث ریز مربوط به روز عاشورا بر اساس نقل و گزارش مفصّلی بیان شده است و حالت توصیفی صرف دارد. ۲. در بررسی تاریخی حادثه‌ی عاشورا، نوعاً به منابع اولیه و معتبر تاریخی تکیه کرده و در قبال گزارش‌ها و اخبار گوناگون و متعارض توجهی به روش ترکیب نیز دارد؛ به عنوان مثال در تبیین حضور کوفیان در لشکر عمر سعد از روش ترکیبی استفاده شده است. ۳. چنان که ذکر شد، ساختار حاکم و غالب بر متدنگارش تاریخی ایشان تحلیل و تبیین نیست؛ اما در مواردی از تبیین‌های عقلانی تاریخی در کالبدشکافی جزئیات عاشورا استفاده کرده که در بحث شواهدی از تبیین‌ها نمونه‌هایی از آنها بررسی خواهد شد. ۴. انتخاب گزینشی از حوادث پدیده‌ی تاریخی عاشورا، و توضیح و تبیین برخی نقل‌های تاریخی با گزارش‌های قبلی، بیانگر نمودی از تبیین روایی در اثر مؤلف است.

شواهدی از تبیین‌های عقلانی تاریخی

۱. مؤلف در ارزیابی پدیده‌ی عاشورا به زمینه‌های سیاسی قیام عاشورا اشاره می‌کند و به تشریح سه نوع نظام سیاسی از زمان رسول (ص) تا زمان معاویه، یعنی نظام نبوی و ولایی، نظام خلافت و نظام سلطنتی - خلافتی می‌پردازد؛ و به بیان سه نوع برخورد با دین اسلام (برخورد مصلحت‌جویانه و تأویل‌گرانه، برخورد سودجویانه با دین و برخورد ارادتمندانه‌ی امام علی (ع) با کتاب و سنت)

اشاره دارد. مؤلف در تبیین موارد فوق با رعایت شاخص‌های تبیین عقلانی تاریخی، به انگیزه‌ها و کنش‌ها و اعمال آنها (حضرت رسول(ص) و معاویه) می‌پردازد که شاهدی بر تبیین عقلانی مؤلف است. (۱۳۸۱، ص ۴۱ - ۴۲). راه‌های منحرف کردن عامه‌ی مردم، فعالیت امویان در شام مبنی بر انتساب نسل خویش به پیامبر(ص)، جعل فضایل برای معاویه تا حد کاتب وحی، جعل روایاتی در مذمت امام علی(ع)، استفاده از مفاهیم اساسی سیاسی و دوپهلوی برای قانع کردن مردم و استدلال بر آنها و تلاش معاویه برای بازگرداندن ساختار نظام قبیله‌ای، یکی دیگر از مصادیق تبیین عقلانی مؤلف است. توجه به خواسته‌ها، انگیزه‌ها گرایش‌ها و نیز اعمال و رفتار معاویه و بنی‌امیه - چه از نوع رفتار ساده و چه از نوع رفتار ویژه - از ابعاد و اضلاع تبیین عقلانی تاریخی است. (همان ص ۴۶ - ۴۷ و ۱۳۷۲ ص ۱۲۶ - ۱۲۷). مخالفت امام حسین(ع) و عدم بیعت با یزید یکی دیگر از شواهد تبیین عقلانی تاریخی است. در تحلیل پدیده‌ی تاریخی مذکور، توجه به انگیزه‌ها، تمایلات، کنش‌ها و رفتار خاص یزید از طرح مسئله بیعت و امتناع امام حسین(ع) از بیعت، و تشریح این عمل، توجه به اهداف و معیارهای امام حسین(ع)، با توجه به اعمال و کردارهای آن حضرت و پیامدهای عدم بیعت امام حسین(ع) با توجه به کنش‌ها و واکنش‌های امام(ع)، بیانگر وجود شاخص‌های تبیین عقلانی و برداشت عقلانی تاریخی است. (۱۳۸۱، ص ۱۶۴ - ۱۶۵ و ۱۳۷۲، ص ۱۱۴ - ۱۱۵). یکی دیگر از پدیده‌های تاریخی مربوط به حادثه‌ی کربلا، که مؤلف بر اساس تبیین عقلانی تاریخی به تحلیل آن پرداخته، جریان فرصت یافتن مسلم بن عقیل در از بین بردن ابن‌زیاد است. مؤلف با توجه به ارکان یک تبیین عقلانی تاریخی، به تبیین انگیزه‌ها، کنش‌ها، واکنش‌ها و رفتار خاص مسلم بن عقیل در عدم قتل ابن‌زیاد، پرداخته است. (۱۳۸۱)

مصادقی از تبیین روایی

تبیین‌های روایی متعددی را می‌توان در دو اثر مؤلف مشاهده کرد: یکی از این نمونه‌ها تبیین سفر امام به عراق و علت این سفر است. مؤلف در عرض تبیین عقلانی، از تبیین روایی هم در واقعه‌ی موردنظر (حرکت امام به عراق) استفاده کرده است. (۱۳۸۱، فصل «گزارشی دیگر از رویکرد کربلا») اساس و بنیان تبیین‌های عقلانی تاریخی مؤلف با توجه به عنصر آرمان و هدف در پدیده‌ی تاریخی مذکور، «نظریه‌ی دفاع» و «نظریه‌ی اصلاح» است. بر اساس تحلیل مؤلف و با توجه به اتخاذ نظریه‌ی دفاع، امام حسین(ع) در تمام اوضاع و شرایط پیش آمده از مدینه تا کربلا موضع دفاعی داشت و پاسخ به نامه‌های بی‌شمار کوفیان و حرکت به سمت کوفه نیز تدبیری دفاعی بود. با توجه به شواهد و مدارک تاریخی موجود، بنی‌امیه با تکیه بر قدرت قهرآمیز خود، امام حسین(ع) را در فشار قرار دادند و امام(ع) در قبال حالت هجومی یزید و اطرافیانش مجبور به موضع دفاعی شد و حتی یکی از علل حرکت امام از مکه به سمت عراق همین بود. شایان ذکر است که نظریه‌ی دفاع در صورتی درست است که امکان نظریه‌ی انقلاب وجود نداشته باشد؛ و با توجه به شواهد و مستندات تاریخی، امکان براندازی حکومت اموی با یک انقلاب سریع و داخلی وجود نداشت؛ لذا تا حدودی اتخاذ نظریه‌ی دفاع در تحلیل پدیده‌ی تاریخی عاشورا، با توجه به عنصر هدف در حرکت امام(ع)، درست به نظر می‌رسد. البته در کنار نظریه‌ی دفاع، نظریه‌ی اصلاح نیز مشاهده می‌شود؛ به تعبیری، مؤلف در تبیین تاریخی پدیده‌ی عاشورا، با توجه به عنصر هدف جمع هر دو نظریه را مد نظر داشته است؛ لذا از دیدگاه نظریه‌ی اصلاح، در تمام حرکت‌های امام حسین(ع)، حتی امتناع از بیعت و حرکت به کوفه، نوعی اقدام اصلاحی دیده می‌شود. فعالیت امام برای ایجاد نظم و هنجار اصلاحی در تفکر سیاسی حاکم بر جامعه و سر و سامان دادن رفتار سیاسی امت بود. امام حسین(ع) با توجه به عدم امکان براندازی حکومت اموی با یک انقلاب سریع داخلی، می‌کوشید با تغییرات بنیادین تدریجی به مرور در ساختار قدرت اموی تحول ایجاد نماید. نظریه‌ی اصلاح هم مانند نظریه‌ی دفاع در صورتی امکان عقلی و عملی دارد که امکان نظریه‌ی انقلاب وجود نداشته باشد. توجه به بیانات و اهداف و کنش‌های امام حسین(ع) در حرکت تاریخی با نظریه‌ی اصلاح همسانی دارد و با توجه به عنصر هدف، به نظر می‌آید حرکت امام

در کنار حرکت دفاعی، یک نوع حرکت اصلاحی تدریجی بود. (۱۳۸۱، ۱۳۷۲)

کتاب تشیع در مسیر تاریخ

اشاره

تشیع در مسیر تاریخ، تألیف دکتر سیدحسین محمد جعفری، از پژوهشگران هندی، در زمینه‌ی تاریخ اسلام است. اساس و بنیان محتوای کتاب بر نقد و انتقاد تحلیلی به پیدایش و تکوین تشیع است. مؤلف در ضمن این هدف، در بخش هفتم و هشتم کتاب، تحت عنوان «امام حسین (ع) و بازتاب واقعه‌ی کربلا»، گزارشی مفصل و تحلیلی درباره‌ی پدیده‌ی تاریخی عاشورا دارد. خطوط کلی متد علمی نگارش تاریخی ایشان را می‌توان به طور خلاصه به شکل زیر ترسیم کرد: الف) پشتوانه‌ی تحلیل و تبیین‌های تاریخی ایشان، علاوه بر گزارش‌های متون موثق و قدیمی تاریخی و سنجش و ترکیب گزارش‌ها، نگاه‌ها و دقت‌های عقلانی مؤلف است؛ بررسی دلایل دعوت کوفیان از لحاظ مذهبی و سیاسی، آگاهی امام حسین (ع) از خطرهای احتمالی، و استراتژی مشخص امام، از این نوع هستند. ب) مؤلف در بررسی منابع تاریخی پدیده‌ی عاشورا و تحلیل آن، نگاهی انتقادی و اجمالی به اسلام‌شناسان غربی‌ای که وارد حوزه‌ی مطالعه‌ی نهضت حسینی شده‌اند، دارد. این متفکران با متدلوژی مکانیکی و مکتب صرف تاریخی و تحت تأثیر این مکتب به تجزیه و تحلیل پدیده‌ی تاریخی عاشورا پرداخته‌اند. از جمله متفکرانی که در این کتاب مورد نقد و نظر قرار گرفته‌اند می‌توان به ادوارد گیبون، [۱۵] فیلیپ، [۱۶] ارزولا سزگین [۱۷] و گیب [۱۸] اشاره کرد. ج) تبیین‌های عقلانی متعددی در تبیین تاریخ حادثه‌ی عاشورا عرضه کرده است که به نمونه‌هایی از آنها در ذیل اشاره خواهد شد. د) از لحاظ تبیین‌های قانونمند و ارائه‌ی مدل فراگیر و عام در تحلیل پدیده‌ی تاریخی عاشورا توفیق چندانی ندارد؛ لذا در نشان دادن گزاره‌های صادق در تمام پدیده‌های تاریخی یا صرفاً گزاره‌هایی کلی که بر بخش اعظم پدیده‌های تاریخی حاکم باشد نمونه‌هایی مشاهده نمی‌شود؛ البته شاید علتش این باشد که نظریه‌ی قانونمند و یا تبیین قانونمند، بیانگر نوعی تبیین آرمانی و کمال مطلوب است که هنوز در میان مورخان، با توجه به مخالفت‌ها و موافقت‌ها، جایگاهی پیدا نکرده است.

مصادیقی از تبیین‌های عقلانی

الف) در تبیین دلایل دعوت کوفیان از امام حسین (ع) به مواردی هم‌چون عدم احساس مذهبی میان همه‌ی آنها، داشتن دلایل سیاسی برخی از کوفیان، اقدام بعضی از کوفیان نشانگر بیان آرزویشان در سقوط استیلای شامیان، عقب‌نشینی کوفیان پس از اتخاذ اقدامات افراطی ابن‌زیاد و سپردن خود به واقعیت موجود، اشاره کرد که حاکی از ارائه‌ی تبیین ظریف عقلانی و برداشت عقلانی تاریخی از این پدیده‌ی تاریخی است. توجه به انگیزه‌ها و امیال کوفیان و کنش‌ها و واکنش‌های آنها در قبال امام حسین (ع) و ابن‌زیاد، و رفتار ساده و ویژه‌ی کوفیان در قبال حادثه‌ی مذکور حاکی از شاخصه‌های تبیین عقلانی در کار مؤلف است. (ص ۲۳۲ - ۲۳۳) ب) آگاهی امام حسین (ع) از خطرهای و نتایج حرکت خود نمونه‌ی دیگری از تبیین عقلانی تاریخی است. تحلیل مواردی هم‌چون اطلاع از خطرهایی که آن حضرت را بدان‌ها در بین راه مدینه تا کربلا- هشدار می‌دادند، طرح و استراتژی امام (ع) از حرکت خود برای بیدار ساختن وجدان جامعه‌ی مسلمین و عدم اقدام و سازمان‌دهی نظامی در مکه، با توجه به تمایلات و گرایش‌های امام (ع) و کنش‌ها و رفتارهای ساده و ویژه‌ی آن حضرت، حرکتی عقلانی در تبیین تاریخ است. (ص ۲۳۸) ج) تحلیل موضع سیاسی امام در قبال طرح تاکتیکی یزید (بیعت)، اقدام امام در مقابل این واکنش علیه کنش اسلامی، تدبیر سیاسی امام حسین (ع)، استراتژی امام در مورد قدرت نظامی، آگاهی کامل از وسعت ماهیت وحشیانه‌ی نیروهای ارتجاعی، پاسخ امام به افراد

خیرخواه و تشریح حرکت حماسی ایشان، نمونه‌ها و شواهد دیگری از تبیین عقلانی مؤلف است که با رعایت قواعد و شاخصه‌های تبیین عقلانی تاریخی، یعنی توجه به بیان انگیزه‌ها، اهداف، تمایلات، گرایش‌های عمومی در رفتار و اعمال کارگزاران صورت گرفته است. [۱۹].

مصادیقی از تبیین روایی

انگیزه‌ی امام از این اقدام، و حرکت او به سمت کوفه یکی از مواردی است که مؤلف در عرض تبیین عقلانی تحلیل روایی نیز از آن ارائه داده است. (فصل هفتم) از نوع تحلیل و تبیین مؤلف با توجه به عنصر هدف و آرمان در حرکت تاریخی امام، هم نظریه‌ی دفاع و هم نظریه‌ی اصلاح استنباط می‌شود. به عقیده‌ی ایشان، با مطالعه و تجزیه و تحلیل دقیق حوادث کربلا به طور کلی، این حقیقت به اثبات می‌رسد که امام حسین (ع) از همان آغاز به دنبال ایجاد یک انقلاب در وجدان مذهبی مسلمانان بود، نه ایجاد یک انقلاب سریع داخلی با تکیه بر قدرت نظامی؛ چون امام (ع) از قدرت ظاهری حکومت اموی آگاه بود و با توجه به عدم بسیج مردمی می‌دانست که امکان پیروزی سریع نظامی، که به یک انقلاب سریع و تغییر در ساختار حاکمیت و قدرت منتهی شود وجود ندارد؛ بنابراین، اقدام امام حسین (ع) در قبال کنش حکومت اموی، واکنش اصلاحی و دفاعی بود تا به تدریج به تغییر بنیادین ساختار قدرت و حاکمیت منجر شود.

کتاب حماسه حسینی

اشاره

حماسه حسینی تألیف استاد شهید مرتضی مطهری، اثری تحلیلی و عقلانی در تشریح پدیده تاریخی عاشورا است. مؤلف در کنار تحلیل واقعه‌ی عاشورا و ماهیت قیام حسینی، به مباحث تحلیلی، همچون تحریفات در واقعه‌ی تاریخی کربلا، عوامل تحریف، شعارهای عاشورا، عنصر تبلیغ در عاشورا، وسایل و ابزار پیام‌رسانی نهضت امام حسین (ع)، ریشه‌های تاریخی کربلا، فلسفه‌ی قیام امام حسین (ع) و عنصر امر به معروف و نهی از منکر در نهضت امام حسین (ع) پرداخته و از حیث تحلیل محتوا قابل توجه است. نقاط محوری و ساختار حاکم بر نگارش تاریخ عاشورا در حماسه حسینی (الف) سبک نگارش تاریخی ایشان در ضبط و ثبت و تحلیل، مبتنی بر روش روایی و ترکیبی نیست و کم‌تر به صورت مقایسه‌ای و ترکیبی و سازگاری به گزارش‌های تاریخ عاشورا نظر دارد، بلکه توأم با دقت و برداشت عقلانی، تحلیل می‌کند. به عنوان نمونه در بررسی ریشه‌های تاریخی کربلا، امتناع امام از بیعت و ماهیت قیام حسینی، از روش روایی و ترکیبی بهره‌ای نمی‌برد. (ب) ساختار حاکم بر شیوه‌ی تاریخ‌نگاری ایشان نوعاً تبیین عقلانی تاریخی است که نمونه‌هایی در ذیل بررسی خواهد شد. (ج) فاقد شاخص‌ها و نمادهای لازم برای ارائه‌ی مدل فراگیر و عام در تحلیل پدیده‌ی تاریخی است. به تعبیری از تبیین‌های قانونمند و قاعده‌مند تاریخی و یا اثبات و تدوین آنها مطلبی استناد نمی‌شود.

مصادیقی از تبیین‌های عقلانی

۱. یکی از مصادیق تبیین تاریخی عقلانی، ماهیت قیام حسینی است. قیام حسینی یک انقلاب آگاهانه و یک نهضت چند ماهیتی است نه تک ماهیتی. حادثه‌ی عاشورا به عنوان یک پدیده‌ی تاریخی و اجتماعی، خلاف پدیده‌های طبیعی، منافاتی با چند ماهیتی بودن ندارد؛ زیرا عوامل مختلف در آن اثر داشته‌اند. ماهیت این قیام از یک جهت، به خاطر عدم پذیرش بیعت با یزید عکس‌العمل منفی، و به خاطر جواب مثبتی که به دعوت کوفیان می‌دهد عکس‌العمل مثبت و از حیث عملش تعاون و از جهتی عنصر امر به

معروف و نهی منکر ماهیتی تهاجمی است و از حیث تهاجمی بودن یک انقلابی و ثائر است. تشریح و تبیین مؤلف از ماهیت قیام حسینی، با توجه به نگاه ایشان به اندیشه‌ها و انگیزه‌های امام در حرکت تاریخی‌اش و رفتار و عملکرد امام در قبال بنی‌امیه و کوفیان و داشتن رفتارهای ویژه‌ی امام در این پدیده‌ی تاریخی نشان دهنده‌ی وجود شاخصه‌های تبیین عقلانی تاریخی است. (ص ۱۳۷ - ۱۴۰). بررسی عامل تقاضای یزید برای بیعت، یکی از مصادیق تبیین عقلانی تاریخی است. به نظر مؤلف، عامل مذکور یکی از عواملی است که در ایجاد پدیده‌ی تاریخی عاشورا دخالت داشته و به یک اعتبار (از نظر زمانی) اولین عامل است. بیعت امام نه تنها تأیید خلافت یزید و صحه گذاشتن بر آن بود، بلکه تأیید سنتی بود که معاویه پایه‌گذاری کرده بود. عکس‌العمل امام در قبال تقاضای یزید منفی است و ماهیت این عکس‌العمل تقوایی که در مقابل تقاضای نامشروع ایجاد شده است، یکی از زمینه‌های شکل‌گیری پدیده‌ی تاریخی عاشورا است. مؤلف در تشریح و تبیین عامل تقاضای بیعت، آن را در قالب عقلانی ساخته و پرداخته است که ارکان تبیین عقلانی در آن مشاهده می‌شود. (ص ۱۴۱ - ۱۴۲). عامل دعوت مردم کوفه، یکی از عوامل دیگر قیام عاشورا است که مردم کوفه، با انگیزه‌های مختلف، از جمله ایجاد قطبی به وسیله‌ی امام حسین (ع) در مقابل شام اموی، از خود نشان دادند. عکس‌العمل امام در مقابل این عامل، مثبت و ماهیت عملش ماهیت تعاون است. واکنش امویان در قبال اقدام کوفیان از عوامل ایجاد پدیده‌ی تاریخی عاشورا است که مؤلف در قالب پرداخت تبیین عقلانی با توجه به انگیزه‌ها و آرمان‌های کوفیان و کنش و واکنش‌های آنان و امام انجام داده است. (ص ۱۴۲-۱۴۳). حرکت امام تنها به خاطر عدم پذیرش بیعت و یا دعوت کوفیان نبود، هرچند این دو عامل بی‌تأثیر نبودند، عامل اصلی حرکت امام، امر به معروف و نهی از منکر بود. منکرات دنیای اسلام را فرا گرفته بود و به حکم وظیفه‌ی دینی و مسئولیت شرعی، قیام الهی طبیعی‌ترین واکنش علیه ساختار حاکم بر جامعه‌ی دینی آن روز بود. این عامل به اعتقاد مؤلف دارای ماهیت تهاجمی است که امام (ع) متوجه حکومت وقت کرده است. مؤلف به صورت تبیین عقلانی به عامل سوم پرداخته و به انگیزه‌ها و اهداف امام با توجه به عنصر امر به معروف و نهی از منکر، و عملکرد و رفتار ویژه‌ی امام در این زمینه، متمرکز شده است. (ص ۱۴۵ - ۱۴۶)

مصادقی از تبیین روایی

مؤلف در تشریح ریشه‌های تاریخی کربلا یکی از مصادیق تبیین‌های روایی را ارائه داده است. مؤلف همانند بسیاری از تبیین‌های دیگر در کنار استفاده از تبیین عقلانی تاریخی، در تشریح ریشه‌های تاریخی کربلا از تبیین روایی نیز مدد می‌گیرد. (بخش دوم، فصل اول) توجه به عنصر هدف و آرمان در حرکت امام حسین (ع) با توجه به نوع تحلیل مؤلف از حادثه‌ی عاشورا، به نظریه‌ی اصلاح برمی‌گردد. از نگاه ایشان حرکت امام در اصل یک حرکت اصلاحی بود، آن هم با توجه به اصل امر به معروف و نهی از منکر، امتناع از بیعت و حرکت از مدینه به مکه و عدم اقدام عملی در مکه و حرکت به سمت کربلا و حتی عکس‌العمل مثبت نسبت به عامل دوم (دعوت کوفیان)؛ هم این عوامل و حرکت امام در این سیر تاریخی را از دیدگاه نظریه‌ی اصلاح می‌بیند و هم اقدامات امام را اصلاحی تلقی می‌کند. فعالیت امام، اصلاح تفکر سیاسی مردم و هنجار بخشیدن به عمل و رفتار سیاسی امت بود. امام سعی در ایجاد تغییرات بنیادین و تدریجی در ساختار حکومت و قدرت حاکم داشت؛ زیرا با توجه به مستندات و شواهد تاریخی امکان تحوّل سریع داخلی و تغییرات دفعی به صورت یک انقلاب امکان نداشت. توجه مؤلف با توجه به عنصر امر به معروف و نهی از منکر و فرموده‌ی امام درباره‌ی مفهوم اصلاح، نظریه‌ی اصلاح را تقویت می‌کند. البته چنان‌که ذکر شد، نظریه‌ی اصلاح با نظریه‌ی دفاع، و انگیزه‌های دفاعی با انگیزه‌های اصلاحی ممکن است اجتماع کنند. [۲۰].

اشاره

شهید جاوید تألیف صالحی نجف‌آبادی یکی از متون تحلیلی در زمینه‌ی تاریخ‌نگاری حوزه‌ی اسلام است که شاخص عمده و محوری آن از لحاظ سبک و متد نگارش، تبیین عقلانی است و به طور کلی می‌توان خطوط محوری آن را به صورت ذیل بیان کرد: الف) روش آن تحلیلی است و در تفسیر و تحلیل پدیده‌ی تاریخی عاشورا تکیه بر تبیین‌های عقلانی دارد که شواهدی از آن در ذیل ملاحظه خواهد شد. ب) شاخص‌ها و مؤلفه‌های تبیین قانونمند تاریخی در اثر مذکور مشاهده و استنباط نمی‌شود و از ارائه‌ی مدل‌های عام و فراگیر در تجزیه و تحلیل پدیده‌ی تاریخی عاشورا بهره‌ای ندارد. ج) از کاربرد تبیین روایی در تحلیل و تبیین پدیده‌ی تاریخی عاشورا غافل نیست و وقایع مورد نظر را با استناد به وقایع تاریخی قبلی مورد تحلیل قرار می‌دهد که نمونه‌ای از آن ذکر خواهد شد.

مصادیقی از تبیین‌های عقلانی

۱. یکی از شواهد تبیین عقلانی مؤلف، بررسی اهداف یزید از طرح تاکتیکی در قبال مسئله‌ی بیعت است. هدف یزید از این طرح تثبیت حکومت، رفع عقده‌ی حقارت و حس انتقام‌جویی اوست که در برهه‌ای از تاریخ به آن اقدام نمود. مؤلف در تشریح و تبیین اهداف یزید از این طرح، برداشتی عقلانی ارائه داده و به بیان انگیزه‌ها، تمایلات، رفتار و عملکرد یزید در قبال این طرح و گرایش‌های وی در این زمینه پرداخته کرده است. (ص ۲۳ - ۲۵). یکی دیگر از مصادیق تبیین عقلانی، بیان تمیز امتیازات امام حسین (ع) با عبدالله بن زبیر است که هر دو دست به قیام زدند. ایشان در سه بعد مجزا امتیازات قیام امام حسین (ع) را بررسی می‌کند که امام را از سایر افراد و قیام‌ها متمایز می‌سازد: امتیاز در هدف، امتیاز در وسیله و امتیاز در نتیجه. نگاه مؤلف در زمینه‌ی فوق با توجه به انگیزه‌ها و رفتار امام در سه بعد هدف، وسیله و نتیجه، حرکتی عقلانی در تبیین تاریخی است. (ص ۵۶ - ۵۸)

مصادیقی از تبیین روایی

در تصویر صحیح از علت قیام امام (ع)، که آن را در چهار مرحله بیان می‌نماید، در عین استفاده از اسلوب تبیین عقلانی، از تبیین روایی هم استمداد می‌کند و قواعد و اسلوب تبیین روایی در آن دیده می‌شود؛ یعنی با استناد به وقایع قبلی، واقعه‌ی مورد نظر (علت قیام و مراحل آن) را تبیین می‌نماید. توجه مؤلف به عنصر هدف و آرمان در حرکت تاریخی امام با توجه به تبیین‌های عقلانی ایشان به اتخاذ نظریه‌ی انقلاب منتهی می‌شود. وی در تحلیل حرکت امام (ع) اعتقاد جدی دارد که هدف آن حضرت تشکیل حکومت بود و با توجه به شواهدی امکان عملی تشکیل حکومت را میسور می‌داند. اما چنان‌که گفته شد مستندات و شواهد تاریخی در آن برهه خلاف آن را نشان می‌دهد؛ زیرا حکومت اموی از لحاظ قدرت سیاسی و نظامی در حدی بود که با یک انقلاب امکان براندازی سریع آن نبود و توجه به توزیع قدرت سیاسی و نظامی از لحاظ جغرافیایی علاوه بر شام و حجاز، حتی عراق نیز در اختیار حاکمان اموی بود؛ لذا نظریه‌ی انقلاب با توجه به مستندات تاریخی، دیدگاه درستی به نظر نمی‌رسد.

نتیجه‌گیری

ضرورت گذر از روش روایی و ترکیبی و قدم گذاشتن به مرحله‌ی تحلیل، اجتهاد و تبیین در مطالعات و پژوهش‌های تاریخی و روش تحقیق تاریخی در حوزه‌ی تاریخ‌نگاری به طور عام و تاریخ‌نگاری اسلام به طور خاص نیاز به اثبات و استدلال ندارد. مؤرخان فعلی حرکتی جدی را در این زمینه آغاز کرده‌اند؛ اما تا رسیدن به مرزهای تبیین تاریخی (قانونمند، عقلانی، روایی) در

مطالعات و تحقیقات تاریخی و به تبع آن، تجزیه و تحلیل و در نهایت، استنباط و اجتهاد معانی و مفاهیم ناشی از داده‌های نوشتاری و مکتوب تاریخ فاصله‌ی زیادی احساس شود. و این خلایبی است که توجه و اهتمام مؤرخان و پژوهشگران را می‌طلبد. در سایه‌ی حاکم شدن تبیین‌های تاریخی با تمام انواع (قانونمند، عقلانی، روایی و حتی علی) بر ساختار مطالعات تاریخی به تحلیل ثانوی اطلاعات و داده‌های تاریخی و آشنا شدن با معنا و مفهوم پنهان گزاره‌های تاریخی کمک شایانی می‌شود. کشف روابط تاریخی و علل و انواع آن، تبدیل جبر تاریخی به ضرورت تاریخی و ارائه‌ی مدل‌های عام و فراگیر در پدیده‌های تاریخی، تنها در سایه‌ی پردازش به تبیین‌های قانونمند، عقلانی و روایی تاریخ امکان‌پذیر خواهد بود. امید است که مؤرخان و پژوهشگران با تکنیک‌ها و متدهای علمی تاریخی این سیر علمی را سریع‌تر طی نمایند.

باورقی

[۱] در یک تقسیم‌بندی از تبیین تاریخی آن را به چهار نوع تبیین قانونمند، عقلانی، روایی و علی تقسیم کرده‌اند. ر.ک: فلسفه تاریخ، روش‌شناسی و تاریخنگاری.

[۲] K. R. Popper .

[۳] C. G. Hempel .

[۴] R. G. Collingwood .

[۵] W. H. Dray .

[۶] W. oakeshett .

[۷] H. Butterfield .

[۸] W. B. Gallie .

[۹] برای مطالعه‌ی بیش‌تر در زمینه‌ی ماهیت پدیده‌های تاریخی ر.ک: روش‌های تحقیق در علوم انسانی.

[۱۰] مؤرخان در استفاده از روش‌های تاریخ‌نگاری یا صورت تألیف مطالب تاریخی از سه روش نقلی، ترکیبی و تحلیلی استفاده می‌نمایند. الف) روش نقلی: روشی است که در آن روایات مختلف درباره‌ی حادثه و پدیده تاریخی ذکر می‌شود و سلسله اسناد آن به طور کامل و یا ناقص آورده می‌شود.

[۱۱] دانش تعمیمی، یعنی ارائه‌ی قوانین و قاعده‌های عام که مختص دوران خاصی نبوده، قابل اطلاق در تمام دوران باشد.

[۱۲] دانش تفریدی، یعنی ارائه‌ی قاعده‌هایی که مختص دورانی خاص بوده، کلیت نداشته باشد.

[۱۳] «مدل فراگیر، یعنی ارائه‌ی قانون و قاعده‌های کلی در پدیده‌های تاریخی که آنها را ضابطه‌مند و نظام‌مند کند. ارائه‌ی مدل فراگیر نشان‌دهنده‌ی تعمیمی و قانونمندی بودن تاریخ است نه منفرد و تفریدی بودن آن. در این زمینه علاوه بر منابع ذکر شده، خصوصاً به کتاب مجموعه مقالات فلسفه‌ی تاریخ نوشته‌ی پل ادواز مراجعه شود».

[۱۴] samul. p. Huntington .

[۱۵] Edward Gibbon .

[۱۶] PhillipHitti .

[۱۷] Ursula Sezgin .

[۱۸] Gibb .

[۱۹] ر.ک: تشیع در مسیر تاریخ.

[۲۰] برای مطالعه بیشتر در زمینه نظریه‌های عاشورا از جمله «نظریه تعبد»، «نظریه انقلاب»، «نظریه دفاع و اصلاح»، «نظریه مدیریت» و «نظریه تاریخی» ر.ک: نظریه‌های عاشورا.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

